

The Role of the Islamic Republic of Iran in Establishing and Political Stability in Iraq (2003 to 2020)

alreza zeynali aghdam ¹

Mohammad Yousefi joibari ²

mohammad ghorbaniigolshanabadi, ³

Received Date:7Jan2022

Reception Date:13Mar2022

Abstract

Recent political developments in Iraq in various political-security, cultural and economic fields have affected the relations of the Islamic Republic of Iran with this country. Iraq has always had a special place in the policies of the Islamic Republic of Iran. As a member of the Middle East region, Iraq has been on the one hand linked to the regional equations of power in the Middle East and on the other hand has been one of Iran's constant rivals in the Persian Gulf. The main research question of the strategic policy of the Islamic Republic of Iran What role has it played in creating and establishing political stability in Iraq? The purpose of this study is to investigate the role of the strategic policy of the Islamic Republic of Iran in creating and establishing political stability in Iraq. This research is a descriptive-analytical study based on collecting library information, reviewing documents and analyzing them and is qualitative. The findings show that in general, the most important cases of the Islamic Republic of Iran's role in creating and establishing political stability in Iraq can be summarized as follows: Iran's opposition to separatism and the disintegration of Iraq, countering the growth and expansion of the group Takfiri and extremist groups, preventing the spread of the ISIL crisis in Iraq and the export of technical and engineering services.

Keywords: Establishment of political stability, strategic policy of the Islamic Republic of Iran,iraq

¹PhD Student in International Relations, Department of International Relations, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

²Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran (Corresponding Author yousefijouybari@iaut.ac.ir)

³Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Kharazmi University, Tehran, Iran

<https://dx.doi.org/10.30510/PSI.2022.323522.2931>

نقش جمهوری اسلامی ایران در ایجاد و استقرار ثبات سیاسی در عراق (۲۰۲۰ الی ۲۰۰۳)

تاریخ دریافت: ۱۷/۱۰/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۲/۱۲/۱۴۰۱

علیرضا زینالی اقدم^۱

محمد یوسفی جویباری^۲

محمد قربانی گلشن^۳

چکیده

تحولات سیاسی جدید در عراق در زمینه‌های مختلف سیاسی-امنیتی و فرهنگی و اقتصادی، روابط جمهوری اسلامی ایران با این کشور را تحت تاثیر قرار داده است. عراق همواره در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران جایگاهی خاص داشته است. کشور عراق به عنوان عضوی از منطقه خاورمیانه از یک طرف پیونددهنده با معادلات منطقه ای قدرت در خاورمیانه و از طرف دیگر یکی از رقبای همیشگی ایران در خلیج فارس بوده است. سوال اصلی پژوهش سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران چه نقشی در ایجاد و استقرار ثبات سیاسی عراق داشته است؟ و هدف پژوهش حاضر بررسی نقش سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران در ایجاد و استقرار ثبات سیاسی در عراق می باشد. این پژوهش از نوع مطالعات تفسیری-کیفی بر پایه گردآوری اطلاعات کتابخانه ای، بررسی اسناد و مدارک و تجزیه و تحلیل آنها و از نوع کیفی می باشد. یافته ها نشان می دهد که در مجموع می توان مهمترین موارد نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران در ایجاد و استقرار ثبات سیاسی در عراق را در موارد زیر خلاصه کرد: مخالفت ایران با جدایی طلبی و تجزیه عراق، مقابله با رشد و گسترش گروه‌های تکفیری و افراطی، جلوگیری از گسترش بحران داعش در عراق و صادرات خدمات فنی و مهندسی.

واژه های کلیدی: ایجاد و استقرار ثبات سیاسی، سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران، عراق

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۲ استاد یار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسوول)

yousefijouybari@iaut.ac.ir

^۳ استاد یار گروه معارف اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

برآیند جغرافیایی بخش عمده‌ای از تجربه تاریخی ملت‌ها به شمار می‌رود و همین ویژگی در شکل‌دهی به فرهنگ سیاسی و سیاست خارجی آنها و حتی سیاست داخلی جهت و معنا داده است. در این میان عناصر و عوامل ژئوپلیتیکی در جهت‌دهی به ثبات و بی‌ثباتی واحدهای سیاسی - فضایی نقش مؤثری دارد و تأثیر آن بر سیاست خارجی بسیار پیچیده است و نقش قابل ملاحظه‌ای را در شکل‌گیری و فراگرد رفتار سیاسی کشورها ایفا می‌نماید. در این میان کشور عراق متأثر از موقعیت ژئوپلیتیک و ناکارآمدی روند دولت‌ملت‌سازی و نظام‌های سیاسی غیردموکراتیک از بدو شکل‌گیری تاکنون دچار بی‌ثباتی بوده است و این بی‌ثباتی نقش مؤثری در بازتولید رویکرد نظامی و پرخاشگری سیاسی در این کشور داشته است (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۸۰). هر دولتی در دوران گذار باید بتواند به سطح مطلوب از ثبات سیاسی دست یابد که تعارضات محدود شده و بر سر قواعد رقابت میان بازیگران با یکدیگر توافق حاصل شود. اگر دولت از قابلیت و توانایی مناسب برای تأمین نیازهای جامعه برخوردار نباشد، این تغییرات جلوه‌هایی از بی‌اعتمادی و ناهنجاری را به وجود می‌آورند. در چنین شرایطی افراد و گروه‌های سیاسی و اجتماعی برای برطرف نمودن نیازهای بنیادین خود به ابزارهای غیرمسالمت‌آمیزی متوسل می‌شوند که زمینه ظهور تضادهای سیاسی را فراهم آورده و به افزایش خشونت و بی‌ثباتی سیاسی دامن می‌زند. جامعه عراق با سقوط رژیم بعث در فرایند گذار قرار گرفت. از یک سو نبود شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناسب، همراه با ساختارهای اجتماعی مبتنی بر شکاف‌های قومی - مذهبی، و از سوی دیگر شکنندگی دولت به دلیل ناتوانی در تأمین نیازهای جامعه، بسترساز تحقق سیاست‌های قومی - مذهبی در عراق جدید از سال ۲۰۰۳ م. به این سو بوده است. در چنین فضایی هر کدام از جریان‌ها به دلیل عدم استقرار دولت کارآمد با رویکرد قوم‌گرایانه به منظور حفظ امنیت قوم و گروه خود اقدام به تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی کرده‌اند. گروه‌های سنی که از قدرت دور شده بودند با تکیه بر گروهک القاعده و حزب بعث، با رویکرد طایفه‌گرایانه به رفتار خشونت‌آمیز علیه دیگر گروه‌های اجتماعی دست زدند. در مقابل، گروه‌های شیعی از جمله شیعیان طرفدار مقتدی صدر، گروه شبه‌نظامی تشکیل دادند؛ کردها نیز با استفاده از شبه‌نظامیان موسوم به پیشمرگه به تقابل قومیتی با اعراب در موضوع کرکوک پرداختند. این مسأله موجب تشدید منازعات قومی و مذهبی شده و به فرقه‌گرایی و تحقق ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی دامن زده است (ستوده و بدرآبادی، ۱۳۹۸: ۶۵).

تحولات سیاسی جدید در عراق در زمینه‌های مختلف سیاسی - امنیتی و فرهنگی و اقتصادی، روابط جمهوری اسلامی ایران با این کشور را تحت تأثیر قرار داده است. عراق همواره در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران جایگاهی خاص داشته است. کشور عراق به عنوان عضوی از منطقه

خاورمیانه از یک طرف پیونددهنده با معادلات منطقه ای قدرت در خاورمیانه و از طرف دیگر یکی از رقبای همیشگی ایران در خلیج فارس بوده است. همسایگی با عراق با توجه به فضای درونی، تاریخی و ژئوپلیتیک این سرزمین یک سری الزاماتی را بر ایران تحمیل می‌نماید. محیط جدید عراق فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده است. با ورود و افزایش نقش عنصر شیعه در تحولات قدرت و سیاست منطقه و به دنبال آن نزدیکی ایران و عراق، شکل‌گیری یک وضعیت جدید مبتنی بر ویژگی‌ها و واقعیات سیاسی-امنیتی، فرهنگی و اقتصادی منطقه ضروری است. حضور شیعیان در ساخت قدرت بغداد، حذف رژیم بعثی، تغییر رویکرد «عربی-سنی» به «عربی-شیعی-کردی»، در فضای سیاسی عراق، فرصت‌های بوجود آمده در عراق جدید در جهت منافع ملی ایران است. تغییر ساختار نظام سیاسی عراق، با توجه به نقش جدید شیعیان در آن، از مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر ساختارها و هنجارهای محیط پیرامونی در شرایط کنونی است که برای ایران نیز فرصت‌های نوینی را که در قیاس با گذشته، ماهیت، شدت و زمان آن متفاوت است، ایجاد کرده است. رقابت گروه‌های مختلف قومی و سیاسی در داخل عراق و آثار زیانبار ناشی از بی‌ثباتی و جنگ داخلی، ناامنی و بی‌ثباتی منطقه، افراط‌گرایی، تفرقه‌های قومی و مذهبی، حضور بیگانگان در جغرافیای فعلی عراق، رقابت ایران و سایر کشورهای منطقه در این کشور، تغییرات ژئوپلیتیک ملموس در فضای جدید منطقه، افزایش حساسیت مسائل قومی در منطقه از جمله کردها و مسأله خودمختاری کردستان عراق، حضور جریان‌های فرقه‌ای در این کشور، مسائل ارضی و مرزی، عدم انعقاد تفاهم‌نامه صلح بین طرفین، غرامت جنگی و نهایتاً احتمال تجزیه این کشور و بسیاری از این دست، مسائلی است که رویکرد جمهوری اسلامی ایران را تحت الشعاع قرار می‌دهد. شاید مهمترین مشکل ایران در مدیریت تحولات عراق، ساختار اجتماعی پیچیده این کشور باشد. ساختار اجتماعی عراق، متنوع از اقوام، کردها، اعراب سنی و شیعیان، مهمترین بازیگران بومی سیاست در عراق هستند که مطالبات و منافع بعضاً متفاوت و حتی متضادی دارند و مدیریت و تجمیع مسأله‌آمیز منافع آنان بسیار دشوار و نیازمند درک ملاحظات داخلی و منطقه است (برزگر، ۱۳۸۶: ۶۳).

با توجه به مسائل ذکرشده، پژوهش حاضر به دنبال تجزیه و تحلیل سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران در استقرار و ثبات سیاسی عراق بین سال‌های ۲۰۰۳ م تا ۲۰۲۰ م است تا از این رهگذر با بررسی فرصت‌ها و چالش‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی در قبال تحولات عراق نوین در جهت تأمین و افزایش منافع ملی ایران گام مؤثری بردارد. این رساله به دنبال بررسی نقش جمهوری اسلامی ایران در ایجاد و استقرار ثبات سیاسی در عراق است.

اهداف اصلی این پژوهش عبارتند از:

➤ تجزیه و تحلیل سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال استقرار و ثبات سیاسی عراق
نویسنه (۲۰۰۳ م. تا ۲۰۲۰ م.)

➤ تجزیه و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر روابط جمهوری اسلامی ایران با دولت عراق

➤ بررسی رویکرد جمهوری اسلام ایران در قبال گروه‌ها و جریان‌های سیاسی عراق

سوالات پژوهش

سؤال اصلی

➤ سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران چه نقشی در ایجاد و استقرار ثبات سیاسی عراق داشته است؟

سوالات فرعی

➤ ایجاد و استقرار ثبات سیاسی در عراق بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ م. از چه عوامل و پدیده‌هایی متأثر بوده است؟

➤ رویکرد و استراتژی جمهوری اسلامی ایران در عراق بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ م. چگونه عمل کرده است؟

ادبیات پژوهش

عبدالملکی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان بنیادهای ژئوپلیتیک بی‌ثباتی سیاسی کشور عراق به این موضوع پرداخته‌اند که بی‌ثباتی سیاسی کشور عراق متأثر از موقعیت جغرافیایی، ناکارآمدی روند دولت-ملت‌سازی و نظام‌های سیاسی غیردموکراتیک بوده است. سیدباقر سیدنژاد (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران، به تأثیرات رشد اندیشه‌های تکفیری - سلفی در میان گروه‌های تروریستی حاضر در عراق از جمله گروه القاعده بر ایران می‌پردازد. ستوده و بدرآبادی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی ابعاد بی‌ثباتی سیاسی در عراق جدید به بررسی چگونگی تأثیر نقش متقابل گروه‌های خصوصی و عمومی در پایداری و خشونت‌های قومی - مذهبی در عراق جدید پرداخته‌اند. و به این نتیجه رسیده‌اند که بافت اجتماعی - فرهنگی ناهمگن و ساخت ذهنی طایفه‌گرایی حاکم بر هرم قدرت کشور عراق، رقابت - های سیاسی را بر اساس مناسبات قومی و مذهبی رقم زده است. سیدموسی پورموسوی، جهانبخش

رهنما و مهدی میرزازاده (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان فعالیت‌های تروریستی پژاک و امنیت جمهوری اسلامی ایران، می‌کوشد تا تأثیرات فعالیت‌های تروریستی گروهک تروریستی پژاک بر امنیت ایران را بررسی کند. مقاله به تاریخچه تشکیل و ماهیت پژاک اشاره دارد و در ادامه به جریان‌شناسی فکری و سیاسی پژاک از قبیل، ایده اتحاد کردها و تشکیل دولت کرد، انتخاب کمونیسم به عنوان شیوه مبارزه و پشتیبانی از ایده کنفدرالیسم کرد می‌پردازد. خلیلی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان فرایند تدوین و تصویب قانون اساسی جدید عراق، به بررسی روند تصویب آن پرداخته است. از نظر وی یکی از مؤلفه‌های سبب‌ساز بروز بی‌ثباتی در کشور عراق، شیوه تدوین و تصویب قانون اساسی جدید عراق است.

- روش پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات تفسیری-کیفی بر پایه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، بررسی اسناد و مدارک و تجزیه و تحلیل آنها و از نوع کیفی می‌باشد. جهت انجام تحقیق در مرحله اول ابتدا کلیات، مبانی نظری و ادبیات مربوط به موضوع تحقیق از منابع مختلف گردآوری شده و سپس با توجه به اطلاعات گردآوری شده در مرحله بعد به تجزیه و تحلیل آنها خواهیم پرداخت.

- یافته‌ها

پس از حمله آمریکا و متحدانش به عراق و تشکیل دولت جدید این کشور، مسأله استقرار ثبات یکی از مهمترین موضوعات پیرامون این کشور بوده است و کشور عراق به دلایل مختلف از جمله ناهمگونی بافت قومی و مذهبی در جامعه عراق که پیوند قدرت و سیاست میان جریان‌های داخلی و همسایگان را به دنبال داشته است و رویکرد کشورهای منطقه تأثیر زیادی بر بی‌ثباتی در این کشور شده است. پس از آن که رژیم صدام سقوط کرد، روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق بهبود یافت و به لحاظ سیاسی عراق از حالت یک متعادل کننده قدرت ایران خارج شده و در ترتیبات امنیتی در کنار ایران قرار می‌گیرد. بدست گرفتن قدرت توسط شیعیان نزدیک به دولت ایران مهمترین ویژگی عراق جدید که باعث بهبود روابط دو کشور شده است. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران از این فرصت پیش آمده سعی نمود استفاده نموده و با افزایش قدرت و نفوذ خود در عراق، این کشور را از یک حالت تهدیدکننده قبلی خود بیرون آورد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران برای تضمین امنیت خود به کسب قدرت به عنوان ابزاری می‌پردازد که این هدف از طریق سیاست گسترش نفوذ پیگیری می‌شود و عراق جایی است که در طی زمان امنیت ایران را تهدید کرده است و با توجه به شرایط جدید ایران با نکته سنجی و فرصت‌طلبی به موقع به نفوذ در عراق می‌پردازد و با حمایت از شیعیان که برای مدت‌ها از قدرت بدور بوده‌اند، باعث می‌شود که یک دولت دوست در عراق تشکیل شود و بر طبق منافع و امنیت ایران باشد و حتی زمینه‌ساز افزایش قدرت ایران را نیز فراهم آورد. حضور یک دولت قانونی و مردمی که با مشارکت

تمامی گروه‌های سیاسی بدست آمده و برای اولین بار شیعیان و کردها نیز وارد صحنه سیاست در عراق شده‌اند و با توجه به اشتراکات فرهنگی و سیاسی که دولت حاکم شیعی عراق با ایران دارد می‌تواند زمینه دوستی دو کشور را فراهم آورد.

ویژگی قومی و بافت سیاسی و جمعیتی ایران به گونه‌ای است که از اقوام مختلف تشکیل شده و بخش بزرگی از این اقوام در کشورهای همجوار سکونت دارند (بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۳) به این ترتیب حرکت‌های خودمختارانه و استقلال طلبانه بر امنیت ملی ایران تاثیر می‌گذارد. پس از تغییر ساختار در عراق نگرانی از گسترش ناامنی و بی‌ثباتی ناشی از بحران‌های قومی و مذهبی به یکی از چالش‌های ایران تبدیل شد. یکی از نیروهای مهم داخلی تاثیرگذار بر روند شکل‌دهی به نظام سیاسی جدید عراق گروه‌های قومی به ویژه کردها هستند. اقلیتی از این گروه قومی در سه کشور اطراف اقلیم وجود دارد و همواره بدنال استقلال و تاسیس کشوری واحد بوده‌اند. با تصویب فدرالیسم در قانون اساسی آزادی بیشتری نیز یافتند. اما علاوه بر نگرانی از بحث استقلال خواهی این گروه که باعث تاثیر بر کردهای ایران می‌شود، حضور اسرائیل در این منطقه تاثیر منفی برای امنیت ما دارد. اما پس از سقوط رژیم بعث عراق در سال ۲۰۰۳، کردها تلاش کرده‌اند تا پایه‌های یک منطقه‌ی کاملاً خودمختار را در شمال عراق مستحکم کنند. کردستان عراق پس از ظهور داعش در این کشور، قدرت فراوانی یافت. دولت کردستان عراق تلاش می‌کرد از آب گل آلود هرج و مرج در این کشور ماهی بگیرد و رویکردهای ملی‌گرایانه خود را دنبال کند. در ژوئن ۲۰۱۴، تصرف شهر نفت خیز کرکوک به دست پیشمرگ‌های کرد بحث و جدل‌های بسیاری را به راه انداخت. زمره‌های استقلال و بالاخره برگزاری همه‌پرسی در سال ۲۰۱۷ پیامدهای مهمی در سیاست خارجی و راهبرد ایران در عراق داشت. از دیدگاه امنیتی، وجود یک کشور یکپارچه و قدرتمند و غیر معتمد در همسایگی غربی ایران، هیچ‌گاه مطلوب ایران نیست. اما از سوی دیگر تجزیه همسایه‌ی غربی، به سه کشور کردی، سنی و شیعی نیز، با توجه توالی نامطلوب آن، تهدیدات بیشتری را، بخصوص از دو جهت، متوجه ایران خواهد کرد نخست؛ زمینه‌سازی برای نفوذ و استقرار عمده قوای خطرناک قدرت‌های متضاد منطقه‌ای و جهانی ایران، دستکم در دو بخش از کشورهای نوظهور.

کشورهایی مانند عربستان و اسرائیل به دنبال ایجاد نفوذ در عراق برای خود هستند. اسرائیل به دنبال نفوذ بیشتر در منطقه‌ی کردنشین است. این رژیم از چند جنبه مختلف مانند تشکیل شبکه‌های اطلاعاتی در منطقه خلیج فارس، تسلط بیشتر بر ایران و خرابکاری و ایجاد اختلال در صنعت هسته‌ای، دستیابی به میراث فرهنگی و تاریخی یهودیان عراق، به دست آوردن منافع اقتصادی با بازکردن خط لوله نفتی موصل-حیفا و در صورت مخالفت ترکیه، جایگزینی خط لوله کرکوک-حیفا نگاه راهبردی به عراق دارد. یکی از استراتژی‌های رژیم صهیونیستی جهت حفظ امنیت خود و تضعیف قدرت‌های منطقه‌ای، ایجاد واگرایی سیاسی-امنیتی در منطقه بوده است (اخوان کاظمی

و عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۴۸-۱۴۷). راهبردهای رژیم صهیونیستی را برای «نفوذ» در کشور عراق می توان به ابعاد سیاسی، ابعاد بعد اطلاعاتی - امنیتی و نظامی، بعد فرهنگی و قدرت نرم، بعد اقتصادی و تجاری تقسیم بندی نمود. رژیم صهیونیستی سعی نموده است از طریق مهاجرت و خرید اراضی در شمال عراق انتقال جمعیت یهودیان کُرد عراقی ساکن سرزمین های اشغالی به شهر موصل مرکز استان نینوا و مناطق پیرامون آن را رقم بزند. همچنین در بعد اطلاعاتی - امنیتی و نظامی سعی نموده است بسیاری از عوامل اطلاعاتی و امنیتی خود را در پوشش های مختلف خبرنگار، پزشک، بازرگان و غیره به مناطق شمالی عراق و حتی شهرهای شیعه نشین وارد نماید. علاوه بر این رژیم صهیونیستی در نقاط مختلف شمال عراق دارای پایگاه های سری نظامی و اطلاعاتی است که اخیراً برخی از آنها توسط گروه های مقاومت مورد هدف قرار گرفته است. در بعد فرهنگی و قدرت نرم نیز رژیم صهیونیستی در پوشش سازمان های مردم نهاد، مسائل اجتماعی، تمرکز بر فولکلور و روابط فرهنگی و نقش یهودیان در ارتقاء فرهنگ و هنر و موسیقی عراق، برگزاری برخی کنسرت های موسیقی مقاومتی و فولکلور یهودیان عراقی الاصل در اراضی اشغالی، حضور پررنگی در شبکه های اجتماعی و تأسیس صفحات مجازی از جمله شگردهای نرم و فرهنگی برای نفوذ صهیونیست ها در عراق ایفا می نماید. در بعد اقتصادی و تجاری رژیم صهیونیستی سعی در سرمایه گذاری در زیرساخت های صنعتی و در حوزه های نفتی برخی شهرهای شمالی از جمله اقدامات مهم اقتصادی رژیم جعلی صهیونیستی برای گسترش نفوذ در عراق نموده است. که فعالیتها در این زمینه پیامدهای راهبردی را در پی داشته است. اقدامات رژیم صهیونیستی برای نفوذ در عراق با توجه به بافت، ماهیت دینی - مذهبی و جایگاه استراتژیکی که از آن برخوردار است ذاتاً در تعارض با منافع و امنیت ملی عراق و همچنین جمهوری اسلامی ایران است و می تواند پیامدهای زیر را در پی داشته باشد که شامل: تسهیل روند به اصطلاح استقلال کردستان عراق؛ ترغیب عراق به عدم اتخاذ الگوی حکمرانی شیعی و اسلامی؛ ایجاد پایگاه های شنود در اطراف مرزهای ایران؛ ایجاد محدودیت برای گسترش فعالیت های اقتصادی ایران در عراق و کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق می باشد. کشور عربستان به دنبال نفوذ در منطقه ی عرب سنی است و تجزیه ی عراق، زمینه ی کامل اقدام آنها را فراهم می کرد. دوم، فراهم کردن زمینه های ذهنی و انگیزشی و عملیاتی (سیاسی امنیتی)، برای دومینوی تجزیه طلبی قومی در ایران، به لحاظ وضعیت تاریخی و ماهیت ملی، آسیب پذیری سایر کشورهای همجوار با اقلیم کردی، به مراتب بیش از ایران، و فرصت های ایران، به مراتب بیش از ترکیه، عراق، و سوریه خواهد بود. آسیب پذیری یا تهدید ایران از ناحیه تشکیل کشور کُردی، بیش از تشکیل کشور آذربایجان در شمال ایران، نخواهد بود، و فرصت تشکیل چنین کشوری، برای ایران، چندان کمتر از فرصت ترکیه در قضیه ی تشکیل جمهوری آذربایجان، نیست (اکبری، ۱۳۹۶). به همین دلیل، ایران تلاش دارد با مدیریت این مسئله، از اشاعه ی بحران جلوگیری نماید. ایران می تواند با اقلیم کردستان همکاری کند، در این شرایط می توانست بعد از تشکیل اقلیم کردستان، آن را از اسرائیل دور و به همان نسبت بر سیاست خارجی و داخلی آن در فرایند تشکیل یک کشور تأثیر داشته باشد. اما در مقابل، این همکاری با کردها در فرایند استقلال از عراق، تهدیداتی هم در پی دارد و مهمترین آن، کمک به تحریک احساسات تجزیه طلبانه در کل منطقه و

خود ایران و بخشهای کردنشین آن است. همچنین یکی دیگر از کشورهایی که سعی در دخالت در وضعیت عراق داشته است کشور آمریکا می باشد. منطقه خاورمیانه ۴۰ درصد از صادرات نفت جهان را به عهده دارد. در عین حال حدود ۶۵ درصد از ذخایر کشف شده جهانی در این منطقه وجود دارد. در این میان کشور عراق با ذخایر قابل توجهی که گاهی تا ۲۲۰ میلیون بشکه (ذخایر کشف شده به همراه ذخایر کشف نشده و احتمالی) تخمین زده می شود، نقش کلیدی در تأمین نفت مورد نیاز آمریکا و به طور کلی غرب ایفا خواهد کرد. به ویژه آن که، در عراق از ۷۳ درصد حوزه های کشف شده تاکنون حدود ۳۰ درصد آن برای تولید نفت مورد بهره برداری قرار گرفته است (وکیلزاده، ۱۳۹۵). اگر بخواهیم درک درستی از استراتژی آمریکا در عراق داشته باشیم، باید آن را در بستر استراتژی کلان آمریکا در حوزه بین الملل به خصوص در منطقه غرب آسیا بررسی کنیم. علی رغم اینکه در سال های اخیر آمریکایی ها تلاش دارند اهمیت منطقه غرب آسیا را در راهبردهای سیاست خارجی آمریکا رو به افول نشان دهند، اما تعمق در رفتار هیئت حاکمه آمریکا نشان می دهد این منطقه و البته کانون آن یعنی حوزه خلیج فارس، کماکان برایشان دارای اهمیت بسیار است. آمریکایی ها به رغم این که هنوز در منطقه حضور دارند، در جهت کاهش حضور نظامی مستقیم خود برنامه ریزی می کنند؛ به عبارت دیگر، به تدریج در حال کاهش حضور فیزیکی و سخت افزاری در منطقه هستند. سیاست خارجی آمریکا در منطقه عبارتند از: سرمایه گذاری در حوزه های مختلف من جمله نظامی امنیتی، علم و فن آوری، سودآوری اقتصادی و ابعاد سیاسی و اجتماعی اگرچه در بعد نظامی به ویژه در عراق، به سبب فعالیت های گروه های مقاومت، سرمایه گذاری در سطوح نظامی امنیتی به هیچ وجه به نفع آمریکا نبوده، اما باید مستحضر بود که اساساً پایگاه های آمریکایی در عراق کارکرد فرماندهی ندارند، بلکه نقش اصلی آن ها لجستیکی و برنامه ریزی بوده است؛ در واقع اصل تمرکز و سرمایه گذاری آمریکا در پایگاه های قدرتمندتری در منطقه است که کارکرد فرماندهی دارند (شریف زاده، ۱۴۰۰). سیاست خارجی جمهوری اسلامی در ارتباط با عراق و سوریه با توجه به اصول مندرج در قانون اساسی و با توجه به هنجارها و ارزش های فرهنگی و تاریخی در قالب هویت اسلامی مورد ارزیابی قرار می گیرد. زیرا جدای از عوامل مادی، حوزه ی مشترک در روابط ایران و سوریه سیاست مشترک برای حفظ هویت مقاومت در خاورمیانه است. در شرایطی که منطقه در آستانه تغییرات جدیدی است به نظر می رسد که نقش سازنده و تأثیرگذار ایران به عنوان یکی از قدرتهای منطقه پس از ظهور بحران داعش تثبیت شده است. همچنین استقرار امنیت، تقویت صلح، ثبات و نیز رفع تهدیدات تروریستی مورد پذیرش و اجماع جهانی قرار گرفته است. این خود می تواند سبب ساز افزایش نقش و نفوذ منطقه ای و اعتبار جهانی ایران به عنوان بازیگری مسئول و فعال باشد (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۵: ۱۶۲-۱۶۳). به لحاظ راهبردی، جمهوری اسلامی ایران می کوشد تا یک محور مقاومت به لحاظ سیاسی - نظامی و اقتصادی و فرهنگی در مقابله با نفوذ غرب و اسرائیل در منطقه ی خاورمیانه به وجود بیاورد. سوریه برای سالهاست که با ایران در یک محور بر علیه آمریکا و اسرائیل در منطقه همکاری می کند و عراق نیز پس از فروپاشی دولت صدام و روی کار آمدن دولت جدید، اندک اندک در راستای سیاست خارجی ضد اسرائیلی ایران در منطقه حرکت می کند. در نتیجه، ایران حفظ این دو

کشور و ساختار فعلی آن را به لحاظ هویت خود در منطقه در نظر می‌گیرد. همچنین ایران خود را به عنوان سرزمینی مادری و اصلی کردها تلقی می‌کند که برخی از مناطق آنها در دوره های مختلف از کشور جدا و در کشورهای مختلف جای گرفته‌اند. به همین دلیل در دوره ی صدام حسین کمک های زیادی به کردهای عراق می‌کرد. اما زمانی که کشوری کرد و مستقل در عراق شکل گیرد، به طور خودکار به عنوان حامی جدید تمام سرزمین های کرد نشین تلقی خواهد شد و این به زعم ایران، به نوعی برخلاف هویت ایران است، این کشور مستقل می‌تواند عامل تسریع فرایند تجزیه طلبی در ایرن نیز باشد. کردستان مستقل موجب شکل دهی افکار عمومی در یکی از کانون‌های تهدید در مرزهای غربی ایران خواهد شد. این منطقه ی خودمختار با تأکید بر مشترکات فرهنگی بین خود در بعد جهانی توانایی تاثیرگذاری بر مرزهای غربی ایران را دارد. برای مثال، فعالیت رسانه‌های احزاب و گروه های اپوزیسیون کرد ایرانی (مستقر در کردستان عراق) موجب تحریک مردم مناطق کردنشین ایران و افزایش تمایلات تجزیه طلبانه خواهد شد (موسوی نیا، ۱۳۹۶: ۱).

یکی از علل تمایل جمهوری اسلامی برای دخالت در اوضاع عراق بحران داعش می باشد. بحران داعش در میان تمام کشورهای منطقه دارای اثرات جدی مثبت و منفی بوده است. در روابط بین الملل تمامی کشورها بعد از وقوع بحران داعش، در چارچوب مناسبات دسته بندی کشورها از این بحران در راستای افزایش قدرت و اعتبار ملی خود استفاده کردند. عربستان، قطر و ترکیه در یک گروه و ایران، عراق و سوریه در دسته بندی دیگر قرار گرفتند. عربستان برای مقابله با نفوذ تشیع و اطمینان یافتن از این مسأله که تسنن بر جهان اسلام تفوق دارد، هر اقدامی را انجام می دهد. هرچند در پی ظهور داعش در عراق و در دورانی که حتی شهر اربیل نیز به طور جدی مورد تهدید قرار گرفته و تروریست های تکفیری برای تسخیر این شهر عزم خود را جزم کرده بودند، ایران به کمک اقلیم کردستان شتافت و نشان داد که این حوزه، یکی از اولویت های مهم منافع و مصالح ایران است، اما همچنان استقلال اقلیم، خط قرمز این کشور است. مقامات اقلیم آشکارا اعلام کردند که ایران نخستین کشوری بود که با اقدامات تاثیرگذاری همچون اعزام مشاورین نظامی و ارسال سلاح و تجهیزات به کمک کردهای عراقی شتافت و حتی اخباری نیز در مورد نقش هواپیماهای جنگنده ایران در رفع تهدید مزبور، در رسانه های منطقه منتشر شد (دستمالی، ۱۳۹۳). جمهوری اسلامی ایران حامی اصلی و مهم کردستان عراق برای جنگ با داعش بوده است و در همان روزهای اول حضور این گروه تروریستی ایران در تمامی حوزه های مشورتی و حتی کمک های تسلیحاتی به کردستان عراق کمک کرده است (دباغ، ۱۳۹۴). اما جمهوری اسلامی ایران همواره تأکید کرده است که این کشور هرگز اجازه تجزیه عراق را نمی دهد و این موضوع را دستگاه دیپلماسی مکرراً به دولت اقلیم کردستان اعلام کرده است. رهبر معظم انقلاب نیز در دیدار با حیدرالعبادی نخست‌وزیر عراق در ۲۹ خرداد ۱۴ تأکید کردند جمهوری اسلامی از تمامیت و وحدت عراق حمایت می کند. وی تأکید کردند جمهوری اسلامی ایران به عنوان همسایه، با برخی زرمه ها مبنی بر برگزاری همه‌پرسی برای جدایی یک بخش از عراق مخالف است و دامن‌زنندگان به این موضوع را مخالفان استقلال و هویت عراق می داند (شهیدی، ۱۳۹۶). به طور کلی راهبرد جمهوری

اسلامی ایران در مقابله با بحران تجزیه عراق و مسأله خودمختاری اقلیم کردستان را می توان چنین برشمرد: ثبات و امنیت محیط ملی و منطقه ای؛ مقابله با بحران آنارشیزم ناشی از تروریسم و تجزیه طلبی؛ مقابله با تجزیه طلبی اقلیم کردستان؛ جلوگیری از تداوم بحران تجزیه طلبی و تروریسم می باشد. بنابراین، ارتباط وسیعی میان امنیت منطقه‌ی خاورمیانه و بویژه عراق با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران هم در حوزه ی خارجی و هم داخلی وجود دارد. لذا توجه به اقتضائات جغرافیایی و همچنین پرداختن به آرمان های انقلاب اسلامی، هر دو ایجاب می کند که طراحی الگوی امنیتی کشور، با توجه به مسائل منطقه ای صورت گیرد. ایران برای رسیدن به جایگاه قدرت منطقه ای در خاورمیانه، علاوه بر دارا بودن شاخص های عینی و سخت افزاری، نیازمند رعایت قواعد ظریفی است که ریشه در قدرت نرم دارد (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۳۳).

یکی دیگر از دلایل را می توان راهبرد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق دانست. تقویت سیاست همسایگی در بازارهای منطقه‌ای، باعث افزایش نفوذ ایران در منطقه و تثبیت دامنه نفوذ اقتصادی و تجاری در اقتصاد کشورهای همسایه می شود. این مهم نیازمند یک سیاست خارجی پویا و تقویت دیپلماسی اقتصادی است. در این راستا، توسعه روابط همه جانبه و پایدار با همسایگان، از مهم ترین راهبردها و اولویت های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود (عرب‌پور، ۱۳۹۸). از مهمترین مولفه های دیپلماسی اقتصادی ایران در عراق تامین برق و گاز است به گونه ای که می‌تواند طرف مقابل را به صورت فعالانه به واکنش مجبور کند. ایران بالاترین نقش در تامین برق مورد نیاز عراق را دارد. به طوری که حدود ۵۰ درصد از صنعت برق عراق وابسته به ایران است یا به صورت مستقیم از ایران وارد می‌شود و یا توسط نیروگاه‌هایی که شرکت‌های ایرانی در این کشور ساخته‌اند و با استفاده از گاز ایران، تولید می‌شود. کشورهای مثل سوریه، افغانستان، عراق، تاجیکستان، امارات متحده عربی، قزاقستان، عمان، آذربایجان، ترکمنستان از همسایگان ایران از طرف های صادرات خدمات فنی و مهندسی ایران بوده اند. توزیع صادرات گمرکی کشور نشان دهنده حفظ جایگاه کشورهای آسیایی در میان بازارهای عمده صادرات ایرانی است که در این میان کشورهای همسایه ایران در اولویت بوده و در حقیقت اصلی‌ترین بازار هدف ایران را تشکیل می‌دهند. کشور عراق به عنوان یکی از بازارهای هدف ایران، می‌تواند شرایط را برای حضور شرکتهای خدمات فنی و مهندسی و نیروی کار ایرانی در بازار خود تسهیل کند (مهدوی، ۱۴۰۰). همچنین در زمینه گردشگری، تا قبل از شیوع و گسترش ویروس کرونا، سالانه قریب به ۷ میلیون نفر به منظور زیارت، تجارت و گردشگری بین دو کشور تردد می‌کردند. پژوهشگران اقتصاد گردشگری به طور کلی این رقم را معادل ۷ میلیارد دلار گردش مالی بین طرفین می‌دانند. ایرانی‌ها و عراقی‌ها بزرگترین بازار زیارت و گردشگری یکدیگر را تشکیل می‌دهند. ۳۶ درصد از گردشگران وارد شده به ایران در سال ۱۳۹۸ از اتباع عراق و ۸۹ درصد از زوار گردشگران وارد شده به عراق نیز ایرانی بوده‌اند.

عراق جدید به لحاظ سیاسی، با وضعیت به شدت نامطلوبی از حیث خشونت روبرو بوده است. انحلال ارتش، که حافظ امنیت به حساب می آمد، همچنین سهم خواهی هر کدام از گروه ها بر اساس نگاه طایفه گرایانه به تدریج عراق را وارد معمای ثبات سیاسی کرد. دولت های مختلف که بیشتر نمادی از یک دولت به شدت شکننده و ناتوان در تأمین امنیت و ثبات سیاسی عراق بوده اند اوضاع نامنی و خشونت را تشدید کرده اند.

هر کدام از گروه ها با رویکرد طایفه گرایانه به منظور تظاًءمین امنیت گروه خود به تشکیل گروه های شبه نظامی و متقابل علیه دیگری پرداختند. عراق جدید در مقطعی با ظهور داعش، خشونت گروه های خصوصی علیه گروه های عمومی را نیز شاهد بود. کشور عراق از بدو تأسیس تاکنون همواره دچار بی ثباتی سیاسی بوده است به گونه ای که حتی در دوره هایی از تاریخ که این کشور به ظاهر ثبات و آرامش داشته است بیشتر برآیند تفاهم نواحی مختلف سیاسی و همچنین برآیند یک سیستم انضباط اجباری از سوی حکومت های حاکمان وقت این کشور در دوره های مختلف تاریخی بوده است. داده های موجود نشان می دهد که کشور عراق متأثر از چالش هایی در حوزه تنگناهای ژئوپلیتیکی، ناکارآمدی روند دولت - ملت سازی و نظام سیاسی است و تا زمانی که این عوامل بحرانزا و تنگناها وجود داشته باشد و نظام سیاسی هم نتواند زمینه مشارکت تمامی احزاب و گروه های سیاسی این کشور را فراهم آورد زمینه های تنش و روند بی ثباتی ها در کشور عراق باقی خواهد ماند. تلاش های ایالات متحده و متحدان آن برای معرفی دوباره ایران به اصطلاح به عنوان منبع فزاینده بی ثباتی منطقه ای یا به عبارت صحیح تر جلوگیری از قدرتمند شدن ایران در توازن قوای منطقه ای، بر پیچیدگی نقش منطقه ای و گرایش جمهوری اسلامی ایران در ایجاد ثبات سیاسی در عراق افزوده است. از سویی، تحولات سیاسی جدید رخ داده از جمله شکل گیری و گسترش حوزه فعالیت گروه های تروریستی - تکفیری - سلفی که از حمایت محور محافظه کاری منطقه به رهبری عربستان سعودی برخوردارند، ضمن آنکه بیشترین تأثیرگذاری را بر امنیت و منافع ملی ایران بر جای می گذارد از موانع مهمی هستند که در صورت تداوم می توانند شکل گیری اتحاد راهبردی ایران و عراق را خدشه دار سازند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قدرت های منطقه است که پس از سقوط رژیم بعث صدام، بیشترین تأثیر را در ثبات عراق داشته است و همواره کوشیده تا با عوامل و عناصر بی ثبات کننده در این کشور مقابله کند.

علیرغم دیدگاه های متفاوت در خصوص نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران در حل و فصل بحران های منطقه ای همچون مقابله با گروه های تکفیری و داعش، ایران همواره از حامیان اصلی سوریه و عراق در مبارزه با داعش بوده است، اما هیچ گونه نگرش مثبتی نسبت به پیوستن به ائتلاف امریکا ضد داعش ابراز نکرده است. ایران تاکنون راه مستقلانه خود را در مبارزه با داعش

بیموده و اقدامات جدی در این مسیر انجام داده است. جمهوری اسلامی ایران از روزهای نخستین و به درخواست دولت‌های عراق و سوریه، کمک‌های تسلیحاتی و مشاوره‌ای به ارتش و گروه‌های داوطلب مردمی در سوریه و عراق داده است، به طوری که دمشق و بغداد بارها علناً از تلاش‌های ایران برای کمک به دولت‌های مرکزی عراق و سوریه جهت مبارزه بهتر با گروه تکفیری - تروریستی داعش تقدیر و تشکر کرده اند. در مجموع می‌توان مهمترین موارد نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در ایجاد و استقرار ثبات سیاسی در عراق را در موارد زیر خلاصه کرد: مخالفت ایران با جدایی‌طلبی و تجزیه عراق، مقابله با رشد و گسترش گروه‌های تکفیری و افراطی، جلوگیری از گسترش بحران داعش در عراق و صادرات خدمات فنی و مهندسی.

منابع

- اخوان کاظمی، مسعود؛ عزیزیف پروانه (۱۳۹۰) ضد انقلابی گری در نظام بین الملل، مبانی تئوریک، مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۵
- ستوده، محمد، بدرآبادی، همت (۱۳۹۸) بررسی ابعاد بی‌ثباتی سیاسی در عراق جدید، فصلنامه علوم سیاسی، سال بیست و یکم، شماره ۸۴، زمستان.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۶) ایران، عراق و نظام امنیت منطقه - ای خلیج - فارس، مجله راهبرد، شماره چهل و سوم.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۳)، دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران (دوره جمهوری اسلامی)، تهران، نشر نگاه، چاپ دوم
- عبدالملکی، حسن؛ عابدینی، محمد؛ بیات دان، سعید (۱۳۹۸). بنیان های ژئوپلیتیک بی ثباتی سیاسی کشور عراق، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، دوره نهم، شماره چهارم، صفحه ۷۷۹ الی ۷۹۳